فصلنامه پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
سال اول، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۳
صفحات ۱۴۴ ـ ۱۱۹

The History Of Islamic Culture and Civilization
Quarterly Journal of Research
Vol. 2, Summer 2011, No. 3

تأثیر موقعیت شبه‌جزیره عربستان بر گسترش اسلام و پیدایش تمدن اسلامی از آغاز تا فرجام

محمدیار محمدی*

چکیده

با توجه به نقش مکان در وقوع حوادث تاریخی این پرسش مطرح است که مناسب‌ترین نقطه زمین در سال ۶۱۰ میلادی برای ظهور آخرین و کامل‌ترین دین توحیدی کجا می‌توانست باشد؟ نوشته حاضر در پی پاسخ به پرسش فوق، به بررسی تأثیر برخی از ویژگی‌های شبه‌جزیره عربستان همچون موقعیت جغرافیایی، ژئوپولیتیکی، سیاسی، اعتقادی و اقتصادی در شکل‌گیری، تقویت و گسترش اسلام و پیدایش تمدن اسلامی می‌پردازد که در طول تاریخ کم‌وبیش استمرار داشته است. در دوران معاصر نیز این ویژگی‌ها، توانایی‌های تأثیرگذاری شبه‌جزیره مذکور خاصه کشور عربستان‌سعودی را افزایش داده است. توانایی‌هایی که اگر در اختیار وحدت و همگرایی و منافع جهان اسلام قرار گیرد، نقش سازنده‌ای می‌تواند ایفا نماید و در غیر این صورت قدرتی است در اختیار تفکر افراطی و تکفیری و تروریستی، جهت لکه‌دار نمودن چهره اسلام، کشتار مسلمانان و واگرایی و تفرقه در جهان اسلام، تسهیل سلطه بیگانگان و مصائبی که امروزه شاهد هستیم.

واژگان کلیدی

نقش، اسلام، موقعیت شبه‌جزیره عربستان، گسترش اسلام، تمدن اسلامی.

---

*. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
mymohammadi@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۱ تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۳۰

مقدمه

جزیرةالعرب در آستانه ظهور اسلام

موقعیت و شرایط جغرافیایی شبه‌جزیره عربستان پیش از بعثت پیامبرﷺ موجب شکل‌گیری جامعه‌ای با خصوصیات و ویژگی‌های خاص در این سرزمین گردیده بود. به دلیل کمبود آب و فقدان شرایط کشاورزی و یکجانشینی اکثریت مردمان به‌صورت دسته‌های چند ده نفری و پراکنده زندگی سختی را تجربه می‌کردند و همواره به‌دنبال چراگاه از نقطه‌ای به نقطه دیگر کوچ می‌نمودند. این سرزمین به حدی خشک و بدون آب و علف بود که اعراب ساکن آن در انزوا و جدا از جهان متمدن آن روز بسر می‌بردند.[۱]

به‌دلیل وجود بیابان‌ها و صحراهای خشک، سوزان و پهناور با وجودی که در دل منطقه استراتژیک خاورمیانه واقع است، مهاجمان و جهان‌گشایان به ناچار در لشکرکشی‌ها و تهاجمات آن را دور می‌زدند و به دلیل شرایط سخت حتی زحمت عبور از آن را به خود راه نمی‌دادند. این وضعیت از طمع و تهاجم و سلطه قدرت‌های اطراف به جزیرةالعرب می‌کاست و از سویی محدودیت، عقب‌افتادگی و انزوای ساکنانش را به‌دنبال داشت.[۲] ازاین‌رو می‌توان گفت این جامعه منزوی در مرحله قبل از شکل‌گیری تمدن بسر می‌برد. زیرا تمدن از مرحله کشاورزی و یکجانشینی آغاز می‌شود. به قول ویل دورانت «مدنیت از کلبه برزگر آغاز می‌کند، ولی در شهر به گل می‌نشیند و بار می‌دهد».[۳]

چنانچه در رابطه با شکل‌گیری تمدن و وجود عناصر اصلی آن معتقد است: «در تمدن چهار رکن و عنصر اساسی می‌توان تشخیص داد که عبارتند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرج‌ومرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد، چه فقط هنگام از بین

---

۱. *نهج‌البلاغه*، خطبه ۲۶.

۲. شهیدی، *تاریخ تحلیلی اسلام*، ص ۱۲.

۳. دورانت، *تاریخ تمدن*، ج ۱، ص ۵.

رفتن ترس است که کنجکاوی و احتیاج به ابداع و اختراع به‌کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم غریزه‌ای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می‌دهد ...».[۱]

از بررسی اوضاع و احوال جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جزیرةالعرب پیش از بعثت پیامبرﷺ به وضوح پیداست که برخی از شرایط فوق‌الذکر یا به‌کلی در عربستان وجود نداشت و یا به حدی ضعیف بود که امکان ایجاد تمدن در آن فراهم نبود.

در عصر جاهلیت جزیرةالعرب فاقد دولت مرکزی بود و هرج‌ومرج و بی‌نظمی آن را فراگرفته بود. تنها سازمان سیاسی اجتماعی در آن قبیله بود و هر قبیله فرهنگ، آداب و رسوم خاص خود را داشت و جنگ‌های بین قبایلی به دلیل واگرایی حاکم بر این جامعه به‌صورت مستمر ادامه داشت.

موقعیت جغرافیایی شبه‌جزیره عربستان

شبه‌جزیره عربستان در منتهی‌الیه جنوب غربی قاره کهن آسیا به‌عنوان بزرگ‌ترین شبه‌جزیره جهان در محل تلاقی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد.[۲] و از طرف شرق به خلیج‌فارس و دریای عمان، از جنوب به اقیانوس هند و خلیج عدن از غرب، به دریای سرخ، و از شمال به دره فرات و سرزمین‌های سوریه و اردن منتهی می‌شود و تنها در حاشیه باریکی از سرزمین‌های اطراف آن در جنوب و نواحی کوهستانی اندکی باران می‌بارد.[۳]

به غیر از کوه‌های کم ارتفاع و پست که بخش محدودی از آن را می‌پوشانند بیشتر از بیابان‌ها و صحراها با ریگ‌های روان پوشیده شده است که به‌هنگام وزش باد سراسر فضا را ابری از گرد و غبار فرا می‌گیرد. حرکت این ریگ‌ها پیوسته وضع ظاهری صحرا را تغییر می‌دهد، به‌طور کلی آب و هوای جزیرةالعرب گرم و خشک است، و هیچ رود

---

۱. همان، ص ۳.

۲. پیرنیا، *تاریخ ایران*، ص ۲۶۳.

۳. مستوفی الممالکی، *جغرافیای کشورهای اسلامی*، ص ۲۶ ـ ۲۲.

دائمی در سراسر آن یافت نمی‌شود. هم اکنون شامل کشورهای عربستان سعودی (با مساحتی حدود چهار پنجم شبه‌جزیره)، کویت، قطر، امارات متحده عربی، عمان، بحرین و یمن می‌باشد.

جغرافی‌دانان قدیم این شبه‌جزیره را به شرح ذیل تقسیم نموده‌اند:

۱. تهامه: باریکه‌ای از زمین‌های پست و شوره‌زارها که به موازات حجاز سراسر غرب جزیرةالعرب در امتداد ساحل دریای سرخ کشیده شده و بنادر «حدیده» در یمن و «جده» و «ینبع» در عربستان سعودی در این منطقه ساحلی قرار دارند.

۲. یمن: سرزمین یمن در بخش جنوبی شبه‌جزیره عربستان واقع است و در مقایسه با دیگر نواحی آن از آب فراوان‌تر و آبادانی برخوردار است. و آثار تمدنی آن تا به امروز نیز باقی است. پیش از ظهور اسلام با شکسته‌شدن سد عظیم آن و تخریب شهر «مآرب» از بین رفت و بسیاری از قبایل ساکن آن به داخل شبه‌جزیره کوچ نمودند.[۱]

۳. حجاز: به‌معنای حائل و جدا کننده است زیرا سرزمین تهامه را از فلات نجد جدا می‌سازد. ارتفاعات پست حجاز از خلیج عقبه تا یمن امتداد دارند و در بخش‌های جنوبی به ۳۷۵۰ متر می‌رسند. شهرهای مکه، مدینه و طایف مهم‌ترین شهرهای حجازند و میزان بارندگی در آن نسبت به عربستان مرکزی و صحرایی بیشتر است.

٤. نجد: نجد فلات مرتفعی است از حجاز تا خلیج‌فارس، نجد خواستگاه، خاندان سعودی حاکمان فعلی عربستان نیز می‌باشد. میزان بارندگی آن بسیار کم است و بزرگ‌ترین صحراهای عربستان در این قسمت قرار دارد. و بدویان صحراگرد در این ریگزارهای وسیع به حیات خود ادامه می‌دهند.

۵. عروض: عروض به‌معنای مانع است و شامل بخش شرقی شبه‌جزیره است که میان نجد، یمن و عراق قرار دارد. و کشورهای کویت، عمان و بحرین در این ناحیه قرار دارند.[۲]

---

۱. حسنی، *تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام*، ص ۳۲.

۲. آینه‌وند، *تاریخ سیاسی اسلام*، ص ۲۸ ـ ۲۵.

تأثیر موقعیت جغرافیایی و شرایط آب و هوایی جزیرةالعرب بر توان رزمی، دفاعی مسلمانان و گسترش اسلام

ازجمله عوامل تأثیرگذار به خلقیات و رفتار افراد تأثیر محیط زندگی و جغرافیایی است. این امر در کنار سایر عواملی همچون وابستگی‌های نژادی، آداب و رسوم و ... شاکله شخصیت افراد را می‌سازد. برخی از متفکرین علوم اجتماعی نقش محیط را در تربیت افراد تا هفتاد درصد دانسته‌اند. زندگی در شرایط سخت جزیرةالعرب موجب پیدایش ویژگی‌هایی چون تهور، بی‌باکی، سرعت جابجایی، انطباق با شرایط سخت، درگیری‌های تمام‌نشدنی و آماده‌باش دائمی اعضای قبیله را در پی داشت و از آنها مردمی ساخته بود که همواره آماده جنگ و نزاع بودند. این شرایط قدرت تهاجمی و دفاعی‌شان را فوق‌العاده تقویت نموده بود.

ابن‌خلدون اندیشمند بزرگ مسلمان در مقدمه مشهورش بر تاریخ در مورد خصوصیات رفتاری و اخلاقی عرب جاهلی مطالبی را ارائه نموده است که خلاصه آن چنین است:

> اعراب آن عصر در یکی از مراحل ابتدایی تکوین خود که همه انسان‌ها آن مراحل را می‌پیمایند بسر می‌بردند. طبیعت وحشی‌گری آنان، آنها را به غارت‌گری و ویران‌گری سوق می‌داد، بر هرکس و هر قبیله‌ای که می‌توانستند می‌تاختند و هرچه را می‌یافتند به تاراج می‌بردند. سپس به پناهگاه‌های دور از دسترس خود در اعماق صحراها و دره‌ها می‌گریختند و اگر بر جایی دست می‌یافتند آن را به ویرانی می‌کشاندند. سنگ‌های ساختمانی را برای برپا کردن اجاق‌های صحرایی خود از جا می‌کندند و تیرهای سقف‌ها را برای ستون خیمه‌های خود فرو می‌ریختند. اهتمام آنها به غارت و چپاول بود و به احکام اخلاقی اعتنایی نداشتند. آنان به شجاعت و دلاوری شهره بودند، زیراکه هریک خود می‌بایست حافظ جان و مال خود باشند و از خودش و مصالحش دفاع کند ازاین‌رو همه آنان همیشه سلاح جنگی خود را همراه داشتند و هر گوشه و کنار را می‌پاییدند و جنگاوری و خشونت، طبیعت اصلی آنان شده بود.[۱]

اما اسلام با ایجاد تحول و انقلاب درونی (جهاد اکبر) این نیرو و توان را در جهت دفاع از

---

۱. ابن‌خلدون، *مقدمه ابن‌خلدون*، ج ۱، ص ۲۸۹ ـ ۲۸۴.

ارزش‌های الهی و انسانی تحت‌عنوان «جهاد في سبيل‌الله» به‌کار گرفت و از آن قدرتی به‌وجود آورد که نه تنها قادر به دفاع از ارزش‌های اعتقادی و دینی و خواستگاه اسلام بـود، بلکـه در اندک مدتی توانست سرزمین‌های اطراف جزیرةالعرب را تسخیر نماید. قید فی‌سبیل‌الله هدف و ماهیت جهاد را مشخص می‌کند. و آن را از بی‌توجهی و بیهودگی مـی‌رهانـد و از اغـراض فردی سودجویانه، تسلط‌طلبانه، حیوانانی و وحشیانه عاری و مبرا می‌گردانـد. و از جنـگ کـه معمولاً برای آدم‌کشی، کشورستانی و تاراج‌گری به‌پـا مـی‌شـود و مسـتکبران، تجـاوزگران و متعصبان ابله برای ارضای خواسته‌های حیوانی خود به آن اقدام می‌کنند متمایز می‌شود.[۱]

اوضاع سیاسی و اجتماعی جزیرةالعرب در عصر جاهلیت و مقارن ظهور اسلام

در شبه‌جزیره عربستان مقارن ظهور اسلام حاکمیت سیاسی واحد و متمرکزی وجود نداشـت. عمده‌ترین علت چنین وضعی موقعیت جغرافیایی و آب و هوای گرم و خشک جزیرةالعرب بود که امکان کشاورزی و یکجانشینی را از مردمان این سامان سلب کرده بـود. در نتیجـه آنـان مجبور بودند تا در دسته‌های کوچک و بزرگ و به‌صورت پراکنده و قبیلگی زندگی کنند.[۲]

ازاین‌رو ساختار سیاسی جزیرةالعرب را می‌توان نوعی ملوک‌الطـوایفی دانسـت. هـر قبیلـه فرهنگ، آداب و حاکمیت مستقلی برای خودش داشت. به‌دلیل تعدد و فراوانی قبایل و کمبود منابع در فقدان حاکمیت متمرکز، جزیرةالعرب آن زمان مسـتعد درگیـری‌هـای مسـتمر بـین قبایلی بود. در قبیله سه رکن اساسی وجود داشت. حسب، نسب و عصب. بر اسـاس نسـب و حسب تمام افراد باید از فضایل و مفاخر قبیله آگاه باشند و بر اساس عصب و عـرق قبیلـه‌ای همه افراد در ساختار قبیله محو بودند.[۳] به‌گونه‌ای که همه پیوندها و روابط برای حفظ وحدت و بقای قبیله قربانی می‌شد. وفاداری به قبیله در هر موقعیت و تحت هر شـرایطی بـر اعضـا لازم بود و می‌بایست فرد در این راه از هر فداکاری دریـغ نـورزد. در رأس قبیلـه شـیخ قـرار

۱. فارسی، *انقلاب تکاملی اسلام*، ص ۲۳۶.

۲. جعفریان، *سیره رسول خدا*ﷺ، ص ۱۶۰.

۳. نصیری، *تاریخ تحلیلی صدر اسلام*، ص ۵۰.

داشت. مردی مجرب، شجاع و ثروتمند که مسئولیت صلح، جنگ، پیمان، تقسیم غنائم، فصل خصومت و ... قبیله را بر عهده داشت. قبیله از سه بخش تشکیل می‌شد:

یک. خلص‌ها: فرزندان اصیل قبیله از نظر خون و نژاد که به تنه اصلی قبیله پیوند نسبی آنها وصل می‌شد و از تمامی حقوق برخوردار بودند و افراد درجه اول به‌حساب می‌آمدند.

دو. عبید و برده‌ها: افرادی که خریداری شده بودند و یا در جنگ‌ها به اسارت گرفته شده بودند، ازکمترین حقوق اجتماعی برخورداربودند و جزء مایملک افراد و قبیله محسوب می‌شدند.

سه. موالی: اعضای درجه دوم قبیله که بنا به عللی چون پناهندگی، پیمان و ... تحت حمایت قبیله قرار داشتند.[۱]

ساختار قبیله‌ای و فرماسیون سیاسی ـ اجتماعی جزیرةالعرب نابسامانی‌ها و مشکلات فراوانی ازجمله ناامنی، اختلافات و درگیری‌های بین قبایلی، غارت‌گری و نادیده‌گرفتن حقوق اولیه افراد به‌خصوص زنان و ... را در پی داشت.[۲] اوضاع مذکور فرصت مناسبی برای گسترش و استحکام اسلام فراهم می‌ساخت. لذا فقدان دولت مرکزی در جزیرةالعرب که از نتایج این وضعیت بود موانع و مشکلاتی را که معمولاً حاکمیت‌های سیاسی برای نهضت‌های اصلاحی مخالف خود ایجاد می‌کنند، سلب می‌نمود. ازاین‌رو مخالفان پیامبرﷺ به‌راحتی نمی‌توانستند به او آسیب برسانند.[۳] این مسئله به حدی با اهمیت است که خداوند به پیامبرﷺ دستور می‌دهد آنگاه که باید رسالتش را آشکار نماید ابتدا از خویشانش آغاز کند.

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الأَقْرَبِينَ * وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ.[۴]

در پی این پیام الهی است که پیامبرﷺ بنی‌هاشم را به مهمانی در خانه‌اش دعوت می‌کند

---

۱. آینه‌وند، ***تاریخ سیاسی اسلام***، ص ۴۸.

۲. مطهری، ***نظام حقوق زن در اسلام***، ص ۸۸ .

۳. پیشوایی، ***تاریخ اسلام***، ص ۵۳ ـ ۳۵.

۴. شعراء (۲۶): ۲۱۶ ـ ۲۱۴.

و رسالتش را آشکار می‌نماید و از آنها می‌خواهد تا اسلام را بپذیرند و او را یاری نماید.[۱]

ازجمله مسائلی که در ساختار ملوک‌الطوایفی و قبیله‌ای جزیرةالعرب حایز اهمیت بود افراد در پناه قبیله خود می‌زیستند و جز سران قبیله کسی بر آنها تسلط نداشت. هر فردی که از ناحیه قبایل دیگر به هر دلیلی مورد تجاوز قرار می‌گرفت حمله به قبیله متجاوز، امری طبیعی و پیامد قطعی آن حادثه بود. وقتی اسلام انتشار یافت بسیاری از افراد قبایل مختلف بدان گرویدند. آنها هریک برای خود طایفه و قبیله‌ای داشتند و قریش آزاد نبود تا سایر قبایل را تحت فشار قرار دهد و مجبور کند تا افرادشان از اسلام دست بردارند.[۲] در این میان بسیاری از قبایل خطر دین جدید را برای معتقدات خود به‌راحتی درک نمی‌کردند و لذا از گرویدن برخی افراد خود به اسلام ممانعتی به عمل نمی‌آوردند. در این شرایط افراد مختلف مسلمان در پناه عشیره و قبیله خود محفوظ می‌ماندند و تنها مسلمانانی چون بلال و عمار که طایفه و قبیله‌ای نداشتند مورد آزار و شکنجه قرار می‌گرفتند.[۳]

موقعیت استراتژیکی شبه‌جزیره عربستان و تأثیر آن بر گسترش اسلام

همجواری جزیرةالعرب با قاره‌های کهن و تمدن‌های بزرگی نظیر ایران و روم این پیامد را دربرداشت که قبایل عرب هم‌جوار این کشورها و سایر سرزمین‌های همسایه در نتیجه ارتباط گوناگون اعراب با آنها ازجمله تجاری و یا استفاده دو امپراتوری ایران و روم از آنها به‌عنوان سربازان مزدور نسبت به مسائل این سرزمین‌ها و نقاط قوت و ضعف آنها شناخت و اطلاعات پیدا کنند. ازاین‌رو زمانی که دولت مدینه قدرت گرفت و قبایل عرب مجاور ایران و روم اسلام آوردند، به‌دلیل برخورداری از اطلاعات و شناختی که از سرزمین‌های مذکور داشتند توانستند به‌خوبی از آن در تصرف این سرزمین‌ها و کشورها و توسعه و گسترش اسلام بهره ببرند.[۴]

---

۱. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۲، ص ۲۱۷.

۲. فیرحی، *قدرت دانش و مشروعیت در اسلام*، ص ۱۳۷.

۳. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۳، ص ۸۷۲ .

۴. عزتی، *ژئوپولیتیک*، ص ۱۶۹ ـ ۱۶۳.

موقعیت تجاری جزیرةالعرب و تأثیر آن بر گسترش اسلام

اکثر نقاط شبه‌جزیره به‌خصوص مکه فاقد تولید بود. نه زمین کشاورزی و نه تولید کالا و نه فراورده‌هایی که خود مصرف کنند و یا به دیگران عرضه نمایند، بنابراین ساکنان عربستان به‌خصوص مکه به‌کار تجارت و سوداگری اشتغال داشتند و نیازهای خود را از طریق تجارت برآورده می‌ساختند. اتفاق دیگری که به رونق تجارت از طریق جزیرةالعرب افزوده بود مسدود شدن جاده معروف ابریشم، مهم‌ترین راه ارتباطی شرق به غرب در نتیجه جنگ‌های طولانی میان امپراتوری ایران و روم بود. که در نتیجه آن مبادله کالاهایی نظیر ابریشم و ادویه‌جات از طریق یمن به مکه و از آنجا به شام رونق بیشتری گرفت. این امر به شناخت اعراب از سرزمین‌های اطراف و پختگی آنها افزود و روحیه توسعه‌طلبی آنها را تقویت نمود، و زمانی که از دولتی متمرکز برخوردار شدند و تمامی نیروهای پراکنده‌ای که قبل از آن صرف فرسایش همدیگر و جنگ‌های بی‌حاصل بین‌القبایلی می‌شد، متمرکز شدند و به همراه سایر عوامل ازجمله اعتقادات قوی دینی و انحطاط و ضعف کشورهای همجوار موجب شد تا مسلمانان عرب به سرعت این کشورها را فتح نمایند و گستره نفوذ اسلام را توسعه دهند.

ظهور آیین اسلام در جغرافیای ادیان توحیدی و اوضاع فرهنگی و دینی جزیرةالعرب مقارن ظهور اسلام

خاورمیانه به لحاظ دینی و فرهنگی مرکز و خاستگاه ادیان توحیدی همچون آیین حنیف، یهود، مسیحیت و زردشتی است. و بیشترین پیروان این ادیان، قبل و بعد از ظهور اسلام در این منطقه و سرزمین‌های اطراف آن تاکنون بسر می‌برند. با توجه به اینکه به مرور برخی از اصول و فروع ادیان مذکور در گذر زمان فراموش یا تحریف شده بود، آنگاه که در سال ششصد و ده میلادی کامل‌ترین و جامع‌ترین ادیان آسمانی یعنی اسلام ظهور نمود، بستر و زمینه مناسبی برای قبول و پذیرش آن فراهم بود، چراکه نسیم حیات‌بخش اسلام گرد و غبار ایام و پیرایه‌های این ادیان را زدود و گوهر زیبای آیین یکتاپرستی را بر دل‌ها و وجدان‌های بیدار نمایان ساخت. اسلام نیامده بود تا سایر ادیان توحیدی را طرد و نفی کند بلکه از این

ادیان، کتب آسمانی و پیامبران سلف به بهترین شیوه دفاع نمود و بـه همـه بشـریت ازجملـه پیروان این ادیان توصیه نمود، دین در نزد خداوند یکی است و وظیفه و منطق ایجاب می‌کند کامل‌ترین آنها یعنی اسلام پذیرفته شود. البته نه با زور و اکراه.[۱] همان‌گونه که قرآن در ایـن رابطه می‌فرماید: «در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به‌خوبی آشکار شده است.»[۲] در صورتی که پیروان این ادیان، اسلام را نپذیرفتند اسلام به مسلمانان توصـیه مـی‌فرمایـد بـر اساس مشترکات با آنها اتحاد و تعامل مثبت داشته باشند. «بگـو ای اهـل کتـاب بیاییـد بـر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شـریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به‌جای خدا به خدایی نگیرد. پس اگر از ایـن پیشـنهاد اعراض کردند بگویید شاهد باشید که ما مسلمانیم».[۳]

موقعیت جغرافیایی خاص جزیرةالعرب و هم‌جواری آن با حوزه فرهنگی ادیان و مذاهب مختلف، پراکندگی و واگرایی و حالت ملوک‌الطوایفی موجب نفوذ و تـرویج مجموعـه‌ای از ادیان و مذاهب به داخل شبه‌جزیره شده بود و نوعی آشـفتگی اعتقـادی و ایـدئولوژیکی را به‌وجود آورده بود. این وضعیت از یک‌سو در مواجه با تعالیم غنی اسلام مغلوب می‌شد و از سویی این اختلاف مانع از اتحاد عقیـدتی و فرهنگـی علیـه اسـلام مـی‌شـد و خواسـته و ناخواسته بستر مناسبی برای تقویت و گسترش اسلام بود. عمده این ادیان ومذاهب عبارت بودند از:

۱. مسیحیت

مسیحیت از جنوب و شمال به داخل شبه‌جزیره راه یافته بود و در مناطقی چون یمن، نجـران و حیره پیروانی داشت.[۴]

---

۱. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۲، ص ۲۰۹ ـ ۲۰۴.

۲. بقره (۲): ۲۵۶.

۳. آل‌عمران (۳): ۶۴ .

۴. آینه‌وند، *تاریخ سیاسی اسلام*، ص ۴۵.

۲. یهود

کیش یهودی از قرن‌ها پیش از اسلام به داخل شبه‌جزیره نفوذ یافته بود و برخی از مناطق یهودی‌نشین پدید آمده بود که مهم‌ترین آن «یثرب» بود. در فدک و خیبر نیز یهودیان مستقر شده بودند و در میان برخی از قبایل عرب نیز پیروانی داشت.[۱]

۳. آیین زردشت

کیش زردشتی، مانوی و مزدکی نیز در برخی از نواحی ازجمله در حجاز و مناطق نزدیک به ایران رونق داشت. یعقوبی در این باب می‌نویسد: «گروهی از عرب به کیش یهود گرویدند، گروهی دیگر مسیحیت را پذیرفتند و گروهی نیز زندیق گشته و به کیش ثنووی در آمدند».[۲]

٤. صائبین

مرکز صائبین در «حران» بوده و آیین آنان تا روم، یونان، بابل و دیگر نقاط جهان نفوذ کرده بود.[۳]

۵. ستاره‌پرستان

در جاهلیت گروه زیادی از مردم جزیرةالعرب اجرام آسمانی مانند خورشید، ماه و برخی از ستارگان را پرستش می‌کردند و نیروهای آنها را در مقدرات و سرنوشت جهان و افراد دخیل می‌دانستند. برای مثال قبیله خزاعه و حمیر ستاره «شعری» را می‌پرستیدند.[۴]

٦ . پرستش جنیان و فرشتگان

گروهی از مردم شبه‌جزیره جن و فرشتگان را پرستش می‌کردند.[۵] در قرآن نیز به این امر اشاره شده است و پرستش جن و فرشتگان مورد نکوهش قرار گرفته است.[۶]

---

۱. پیشوایی، *تاریخ اسلام*، ص ۷۲ ـ ۷۱.

۲. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۱، ص ۲۲۶.

۳. طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۰، ص ۲۷۹.

۴. همان، ج ۱۹، ص ۴۹.

۵. پیشوایی، *تاریخ اسلام*، ص ۷۷.

۶. انعام (۶): ۱۰۰.

۷. آیین حنیف و یکتاپرستی

یکتاپرستان یا حنیفیان افرادی بودند که از دین حضرت ابراهیم پیروی می‌کردند و بت‌پرستی و شرک را نفی نموده و خدای یگانه را می‌پرستیدند. برخی از مردم مکه ازجمله پدر و اجداد پیامبرﷺ بر این آیین بودند.[۱]

۸ . شرک و بت‌پرستی

مذهب عمده قبایل عرب شرکت و بت‌پرستی بود. شمار بت‌های عرب فراوان بود. به حدی که در کعبه و اطراف آن سیصد و شصت بت نگهداری و پرستش می‌شد. برخی از بت‌های عرب مانند «لات»، «منات»، «عزی»و«هبل» معروف‌تر بودند و افراد و قبایل بیشتری آنها را پرستش می‌کردند. نام برخی از این بت‌ها در قرآن آمده است. «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الأُخْرَىٰ».[۲] تعدد ادیان و مذاهب به ویژه شرک و بت‌پرستی باعث پراکندگی و واگرایی جامعه آن روز عربستان به‌خصوص در زمینه اعتقادات و باورهای دینی گردیده بود. امری که در نهایت به نفع ترویج و گسترش اسلام می‌انجامید، زیرا جامعه از اتحاد عقیدتی برخوردار نبود تا عکس‌العمل واحد و قدرتمندی در مقابله با نهضت اصلاحی اسلام و باورهای اعتقادی آن از خود نشان دهد.

موقعیت مکه در شکل‌گیری و گسترش اسلام

مهم‌ترین و مقدس‌ترین نقطه جزیرةالعرب شهر مکه است. این شهر در فاصله هشتاد کیلومتری شرق دریای سرخ واقع است، شهر مکه در طول ۴۰ درجه و ۹ دقیقه و عرض ۳۱ درجه و ۲۸ دقیقه خط استوا قرار گرفته و ۳۳۰ متر از سطح دریا بلندی دارد.[۳] شهر مکه دارای فضایل بی‌شماری است که مهم‌ترین آن کعبه و مسجدالحرام است. در عصر ظهور اسلام

---

۱. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۱، ص ۶۸ ـ ۶۰ .

۲. نجم (۵۳): ۲۰ ـ ۱۹.

۳. جعفریان، *آثار اسلامی مکه و مدینه*، ص ۳۳.

مکه بر سر راه تجاری و معروف شمال ـ جنوب قرار داشت و از موقعیت منحصربه‌فرد تجاری، اقتصادی، مذهبی و امنیتی در شبه‌جزیره برخوردار بود امری که فوق‌العاده در ترویج و گسترش اسلام مؤثر بوده است. پیامبرﷺ در سیزده سال اول بعثت پیام اسلام را با توجه به موقعیت این شهر به اقصی نقاط شبه‌جزیره رساند و زمانی که در سال هشتم هجری مکه فتح شد اندکی بعد اسلام سراسر جزیرةالعرب را فراگرفت.

موقعیت زیارتی مکه و قداست آن به‌خاطر کعبه

کعبه قبل از بازسازی آن توسط حضرت ابراهیم نیز از قداست بالایی در نزد عرب و غیرعرب برخوردار بوده است. خداوند در قرآن مکه را در کنار کوه طور ذکر نموده و فرموده «وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ * وَطُورِ سِينِينَ * وَهَٰذَا الْبَلَدِ الأَمِينِ»[1] و نیز دعای حضرت ابراهیم را در مورد مکه اجابت فرموده است. «رَبِّ اجْعَلْ هَٰذَا بَلَداً آمِناً وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»[2] ازاین‌رو در تمام ایام سال به‌خصوص در مراسم حج مردم از سراسر جزیرةالعرب به زیارت کعبه می‌آمدند و پیام اسلام را به تمام نقاط آن منتشر می‌کردند. رساندن این پیام در آن زمان به این آسانی به دورترین قبایل صحرانشین تنها از عهده موقعیت مذهبی مکه بر می‌آمد.

موقعیت اقتصادی، تجاری و فرهنگی مکه

هر جامعه‌ای هرچند ابتدایی دارای نیازهایی است که باید بخشی از آن را به شیوه داد و ستد تهیه نماید. در شبه‌جزیره شهر مکه از بالاترین ضریب امنیتی و اهمیت تجارتی برخوردار بود. چراکه هم در مسیر راه تجاری شمال به جنوب و بالعکس قرار داشت و هم از امنیت برخوردار بود و بازارهای معروف عرب همچون «عکاظ» «مجنه» و «ذی المجاز» در آن قرار داشت و در کنار آن تبادل فرهنگ‌ها، اشعار سروده شده و اخبار جدید ازجمله مسائل مربوط به رسالت

---

۱. التین (۹۵): ۳ ـ ۱.
۲. بقره (۲): ۱۲۶.

پیامبرﷺ و آیات اعجاز آمیز قرآن رد و بدل می‌شد و بخشی از سوغات هر مسافری را به خود اختصاص می‌داد.

موقعیت امنیتی مکه

عدم وجود حکومت مرکزی، جنگ‌های مستمر بین قبایلی، خصلت چپاول‌گری و غارت‌گری اعراب به‌دلیل کمبود امکانات و منابع در عصر جاهلیت ناامنی وحشتناکی را برای مردم جزیرةالعرب به ارمغان آورده بود. اما در این سرزمین وحشی و ناامن تنها یک نقطه از امنیت برخوردار بود و آن هم مکه و ناحیه اطرافش یعنی منطقه حرم بود. دایره‌ای به شعاع چند مایلی که تمامی قبایل حتی آنها که در حال جنگ بودند، به‌خصوص در ماه‌های حرام حرمت آن را نگه می‌داشتند و از تعرض، قتل و غارت‌گری دست می‌کشیدند، و جمعیت فراوانی در حرم در کنار یکدیگر به انجام مناسک حج، خرید و فروش، تبادل فرهنگی و اقامت می‌پرداختند. این فضا و جو بستری مناسب و فرصتی مغتنم برای ترویج آیین اسلام بشمار می‌رفت که پیامبرﷺ با درایت و هوشمندی از آن بهره می‌جست.

نقش مدینه در شکل‌گیری و گسترش اسلام

پس از رحلت بزرگترین حامی اسلام یعنی حضرت ابوطالب عم بزرگوار پیامبرﷺ شدت فشارها بر پیامبرﷺ و مسلمانان تا بدان‌جا رسید که ایشان با تمهیداتی ازجمله پیمان‌های مخفیانه عقبه اول و دوم با یثربیان تصمیم گرفتند به سرزمین یثرب هجرت نمایند. مشرکان قریش زمانی از این امر باخبر شدند که کار از کار گذشته بود و با عملی انجام شده مواجه شدند. در نهایت به تصمیمی وحشیانه و جنایتکارانه رسیدند و در دارالندوه هم‌پیمان شدند تا پیامبرﷺ را در تاریکی شب در بستر خواب به قتل برسانند. پیامبرﷺ ضمن اطلاع از تصمیم شوم قریش با فداکاری علی بن ابوطالبؑ موفق شد در اول ربیع‌الاول سال سیزدهم بعثت به سمت یثرب مهاجرت نماید. هجرتی که از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ اسلام بشمار می‌رود. انتخاب حساب شده و به‌موقع مدینه از جانب رسول‌الله با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی،

فرهنگی، سیاسی و ... آن در پیشرفت و گسترش اسلام نقشی حیاتی و سرنوشت ساز ایفا نمـود، که به تأثیر برخی از این ویژگی‌های در تقویت و توسعه اسلام اشاره می‌شود.

موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی یثرب

یثرب در حدود پانصد کیلومتری شمال مکه در منطقه حجاز واقع است. مکـانی کـه در صـورت استقرار مرکز اسلام در آن از امتیازات فراوانی در پیشبرد اهداف اسلام برخوردار بود و مـی‌تـوان ادعا نمود که مناسب‌ترین مکان بعد از مکه برای نشر اسلام در جزیرةالعرب بـود. فاصـله نسـبتاً زیاد یثرب از مکه تا حد زیادی از تهدیدهای مشرکان می‌کاست و از طرفی به‌دلیل واقـع شـدن در مسیر جاده معروف تجاری شمال به جنوب برای مهاجران شناخته شده بود و هجرت را میسر می‌ساخت، و به‌دلیل قرار گرفتن در قلب شبه‌جزیره مکان مناسبی برای تشکیل دولتـی متمرکـز در آن به حساب می‌آمد زیرا از حیث دفاعی نیز در فاصله مناسبی از قدرت‌هـای هـم‌جـوار قـرار داشت و به راحتی امکان تسخیر آن میسر نبود. ازاین‌رو دولت نبوی به دور از مزاحمت و آسـیب آنها مراحل شکل‌گیری و قدرتمند شدن را طی نمود و به مرحله‌ای رسید که یکی از مهـم‌تـرین علل توسعه و ترویج اسلام در شبه‌جزیره و سایر نقـاط جهـان شـد. یثـرب در نقطـه حسـاس و استراتژیکی قرار داشت به نحوی که شاهرگ حیاتی مکه و قریش را یعنی مسیر معروف تجاری شمال جنوب و بین‌النهرین را به‌راحتی می‌توانست کنترل نماید تا به محاصره اقتصـادی قـریش بینجامد. چنانچه از سال دوم هجری با جنگ بدر این امر محقق شـد.[۱] عکـس‌العمـل سـریع و خشن قریش در بدر بیشتر به‌دلیل اهمیت این مسیر تجاری بود. خواسته‌ای که در صلح حدیبیـه یکی از مهم‌ترین علل تن‌دادن قریش به مصالحه با پیامبرﷺ به‌حساب می‌آید.

از سویی یثرب به شمال جزیرةالعرب و سرحدات امپراتوری روم نزدیـک بـود و تـرویج و تبلیغ اسلام را در این بخش از شبه‌جزیره تضمین می‌کرد و ازهمـین‌رو اسـت کـه نخسـتین سرزمین‌های خارج از شبه‌جزیره عرب که اسلام در آنها نفوذ می‌کند در این منطقه قرار دارند.

---

۱. عسکری، *نقش عایشه در اسلام*، ص ۱۸ ـ ۱۶.

موقعیت اقتصادی یثرب

اقتصاد یثرب به‌دلیل وجود آب و هوای مساعدتر نسبت به مکه عمدتاً بـه کشـاورزی وابسـته بود، گرچه دامپروری، صنایع دستی و صنعت در حد نیازهای اولیه یک جامع سـاده و تجـارت نیز در آن رونق داشت.

این شیوه اقتصادی تبعات مفیدی برای دولت نبوی و جامعه یثرب در پی داشت از جملـه: عدم وجود شکاف و فاصله طبقاتی عمیقی که در جامعـه‌هـای تجـاری وجـود دارد و نتیجـه آن ایجاد یک اقلیت متمول و عصیان‌گر متکبر است که همه چیز را در راستای منـافع مـالی و مادی خود می‌خواهد و مانعی عمده بر سر راه هر حرکت اصلاحی است.

بنابراین جامعـه یثـرب در مقایسـه بـا مکـه جامعـه‌ای آمـاده‌تـر بـرای پـذیرش حرکـت اصلاحی اسلام بـود. ویژگـی دیگـر یثـرب خودکفـایی اقتصـادی آن بـه‌خصـوص موقعیـت کشاورزیش بود که از یک‌سو معاش تازه‌واردان یعنی مهاجران را تأمین می‌نمـود و از طرفـی قدرت و توان این را داشت تـا از عهـده مخـارج و هزینـه‌هـای جهـادی مسـلمانان در برابـر تهاجمات مسـتمر و بـی‌وقفـه مخالفـان اسـلام بـه‌ویـژه محاصـره یثـرب توسـط مشـرکان قریش برآید.

موقعیت اجتماعی، سیاسی و امنیتی یثرب

جمعیت یثرب از تعدادی قبایل عرب و یهود تشکیل شده بود و هـر قبیلـه و طایفـه در کنـار زمین‌ها و چراگاه‌های خود در بنای نسبتاً مستحکم و قلعه‌مانندی به نام «اطم» مسـتقر بـود. درنتیجه دل‌زدگی از جنگ‌های طولانی و بی‌حاصل میان قبایل، زندگی یکجانشینی، و سابقه فرهنگی و مدنیتی که در یهودیان و اعراب یمانی بیشتر از عدنانی‌ها وجود داشت کم‌کم زمینه پیدایش نوعی نظام سیاسی در یثرب فراهم می‌شد.

اموری که به همراه پذیرش اسلام و وجود مدیر لایقی چون پیامبرﷺ زمینه هم‌گرایی و تشکیل دولت نبوی را باعث گردید. و با افزایش جمعیت و نیـروی دفـاعی در پـی مهـاجرت مسلمانان از مکه و انگیزه قوی و اقدام برای دفاع موجب به‌وجود آمدن نیرویـی منسـجم بـا

ایمان و قدرتمندی گردید که تا پای جان از ارزش‌ها و سرزمین خود دفاع نمود و توانست دشمنانش را در نقاط دوردست سرکوب و مطیع سازد.

موقعیت فرهنگی یثرب

در یثرب قبایل یمانی و یهودیان ساکن بودند که نسبت به عرب عدنانی و بدوی‌های جزیرةالعرب از فرهنگ بالاتری برخوردار بودند و سابقه تمدنی داشتند. تیره‌های یهود در مدینه با اعراب اختلاط نموده بودند و در نتیجه ترویج آیین یهود برخی از قبایل عرب پیرو این آیین گرویده بودند. عامل دیگری که در یثرب زمینه مناسبی برای پذیرش اسلام بوجود آورد اخباری بود که یهودیان به استناد متون مقدس خود مبنی بر ظهور پیامبری از میان اولاد ابراهیم تبلیغ می‌کردند. ازاین‌رو زمینه پذیرش رسالت پیامبر اسلام در مدینه از حیث فرهنگی آماده‌تر از سایر نقاط شبه‌جزیره عربستان بود.

موقعیت کنونی شبه‌جزیره عربستان و تأثیر آن بر منطقه و جمهوری اسلامی ایران

پویایی دین اسلام، سبب شد که ازجمله ادیان زنده و مطرح جهان امروز باشد که همچنان و شاید با شتاب بیشتر و در سطح گسترده‌تر از گذشته در حال ترویج و گسترش است. این امر موجب می‌گردد، همان‌گونه که موقعیت خاستگاه دین اسلام را در آغاز پیدایش آن بررسی نمودیم، به وضعیت فعلی و زمان حاضر آن منطقه نیز توجه داشته باشیم.

با توجه به اینکه مهم‌ترین و پهناورترین کشور جزیرةالعرب هم اکنون کشور پادشاهی عربستان سعودی است.[1] بررسی جایگاه و تأثیرگذاری آن از اولویت بیشتری برخوردار است. موقعیت این کشور متأثر از عواملی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. موقعیت جغرافیایی

عربستان سعودی با قرارگرفتن در قلب منطقه استراتژیک خاورمیانه و پل‌ارتباطی سه قاره،

---

۱. یاوری، *شناسایی کشورهای آسیا*، ص ۱۷۴ ـ ۱۶۹.

دسترسی به خلیج‌فارس و دریای سرخ و برخورداری از وسعت زیاد (دوازهمین کشور جهان به لحاظ وسعت) مهم‌ترین و قدرتمندترین کشور در شبه‌جزیره است و علاوه بر وسعت زیاد از موقعیت بری و بحری فوق‌العاده‌ای برخوردار است.[۱]

۲. موقعیت ژئوپولیتیکی

ویژگی‌های عربستان سعودی همچون جغرافیای مناسب، عوامل فرهنگی، دینی، سیاسی، وضعیت نسبتاً مطلوب اقتصادی، قرارگرفتن کعبه و حرم نبوی در آن، نقش و تأثیرگذاری بر بازارهای نفتی جهان، ایفای نقش مهم سیاسی در خاورمیانه و ... موجب گردیده تا این کشور از جایگاه مناسبی در منطقه و کشورهای اسلامی برخوردار باشد.

۳. نقش مهم عربستان در سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای

الف) سازمان کنفرانس اسلامی: این سازمان در سال ۱۹۶۹ میلادی توسط کشورهای اسلامی تشکیل گردید. مقر دبیرخانه دائمی آن در شهر جده عربستان است و بیشترین سهم را در تأمین بودجه آن عربستان بر عهده دارد و به‌دلیل تأثیر عربستان بر دیگر کشورهای اسلامی از نفوذ زیادی در امور مختلف این سازمان برخورداراست.

ب) شورای همکاری خلیج‌فارس: این اتحادیه در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰میلادی با شرکت عربستان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت و عمان تشکیل گردید. شورای مذکور دارای اهداف سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی وسیعی می‌باشد و عربستان سعودی به‌دلیل وسعت، جمعیت، قدرت، ثروت و ذخایر بیشتر انرژی و آسیب‌پذیری سایر اعضا نقش محوری در آن دارد. لازم به‌ذکر است که امکانات شورای مذکور در بسیاری مواقع علیه جمهوری اسلامی ایران به‌کار گرفته شده است.

ج) اتحادیه عرب: این اتحادیه در اکتبر ۱۹۴۴ میلادی توسط پنج کشور عربی، مصر، سوریه، لبنان، عراق و اردن در شهر اسکندریه مصر تشکیل شد و با وجودی که عربستان

---

۱. شالیان، *اطلس استراتژیک جهان*، ص ۱۲۳.

سعودی بعداً به آن پیوست به‌دلیل کمک‌های فراوان به کشورهای عربی و اتحادیه عرب بعد از مصر بیشترین نفوذ را در آن دارد.

د) نفوذ در هم‌گرایی عربی و اسلامی: عربستان سعودی به‌دلیل قرارگرفتن کعبه و حرم نبوی، برخورداری از منابع فراوان ثروت، کمک‌های مالی فراوان به سایر کشورهای عربی و مسلمان، مناسبات استراتژیک بین‌المللی به‌خصوص با غرب و اغلب کشورهای اسلامی از نفوذ و تأثیرگذاری قابل توجهی در منطقه و کشورهای اسلامی برخوردار است.

و) سازمان اپک: این سازمان با عضویت پنج کشور ایران، عربستان سعودی، عراق، کویت و ونزوئلا در ۱۹۶۰ به‌منظور ایجاد هماهنگی، تثبیت قیمت‌های نفت و سایر منافع اعضای تولیدکننده نفت تشکیل شد. عربستان سعودی با داشتن بیشترین ذخایر نفتی (حدود ۲۵٪ کل ذخایر شناخته شده نفت جهان)، قدرت تولید یازده میلیون بشکه نفت در روز و توان افزایش آن تا پانزده میلیون بشکه در روز به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت اپک، دارابودن ذخایر عظیم گاز (رتبه پنجم در جهان) و جذب ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در منابع نفتی و همکاری معتبرترین شرکت‌های نفتی جهان با این کشور توسعه چشم‌گیری را در بخش نفت و گاز فراهم ساخته است که با توجه به ویژگی‌های فوق در سازمان اپک بیشترین قدرت و نفوذ را دارد. و مواضعش نقش عمده‌ای در بازار نفت ایفا می‌کند.[۱]

سایر کشورهای جزیرةالعرب نیز دارای ذخایر عظیم نفت و گازند. این کشورها به همراه عربستان ۶۰٪ ذخایر شناخته شده نفت جهان و ۲۳٪ تولید آن را در اختیار دارند. همراهی این کشورها با عربستان بردامنه قدرت این کشور می‌افزاید.[۲]

چشم‌انداز روابط ایران و کشورهای جزیرةالعرب به‌خصوص عربستان سعودی

اعراب مسلمان در ربع اول قرن هجری ایران را تصرف نمودند و کم‌وبیش تا سقوط خلافت عباسی به‌دست مغولان در سال ۶۵۶ هق بر ایران مسلط بودند. از این زمان به بعد تا ۱۹۵۰

۱. فاتح، *پنجاه سال نفت*، ص ۲۰۵ ـ ۱۶۴.

۲. میرترابی، *مسائل نفت ایران*، ص ۲۰۰ ـ ۱۹۶.

میلادی به‌جز تعرضات وهابیان به شیعیان مشکلی میان اعراب و ایران وجود ندارد. با ظهور ملی‌گرایی عربی به رهبری جمال عبدالناصر مصری و بعثی‌های عراق، بی‌زاری دیرینه اعراب و ایران ترویج گردید. در این میان حمایت رژیم پهلوی از اسرائیل حربه مناسبی در اختیار اعراب علیه ایران قرار داد. در این مرحله تلاش اعراب برای جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه و خلیج‌فارس متمرکز می‌شود که بالاخره به جدایی بحرین از خاک ایران می‌انجامد. با خروج انگلستان از منطقه و سیاست دو ستون غرب در منطقه ایران به‌عنوان ستون نظامی ـ امنیتی این سیاست تثبیت می‌گردد. امری که نارضایتی برخی از کشورها و نیروهای تندرو عرب را در پی داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ کشورهای نفتی عرب به‌همراه ملی‌گرایان به سرکردگی رژیم بعثی عراق و با هماهنگی قدرت‌های فرامنطقه‌ای جنگ بزرگی را بر ایران تحمیل کردند. جنگی که خسارت‌های جبران‌ناپذیر انسانی و مالی را برای ایران در پی داشته است. در میان کشورهای جزیرةالعرب عربستان سعودی مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. دویست سال قبل اسلام افراطی و بنیادگرای وهابی در دل صحرای مرکزی عربستان در نجد شکل گرفت و به صحنه آمد، این جنبش بنیادگرا و توسعه‌طلب یک‌بار در اوایل قرن نوزدهم و بار دیگر در اوایل قرن بیستم قدرت عربستان سعودی را تا حاشیه‌های خلیج‌فارس پیش راند. مشروعیت دینی دولت پادشاهی عربستان سعودی توسط فرقه افراطی وهابیت تغذیه می‌شود که سایر مسلمانان حتی اهل‌سنت را مشرک می‌دانند و در صورت به‌دست آوردن فرصت از هیچ اقدامی علیه آنان حتی قتل و غارت و تجاوز به نوامیس آنها خودداری نورزیده‌اند.

برخی از اقدامات وهابیون که بر عربستان سعودی مسلط هستند عبارت است از: کشتار، تجاوز و غارت دیگر فرقه‌های اهل‌سنت در دوران تثبیت قدرت وهابی‌ها در عربستان، تهاجم به شیعیان و قتل و غارت آنها ازجمله قتل عام و تخریب و غارت اماکن مقدس شیعه در عراق که نتیجه آن کشتار ده‌ها هزار از مردم شهرهای نجف و کربلا و تخریب حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام می‌باشد، همچنین تخریب اماکن و آثار اسلامی در مکه و

مدینه و سایر مناطقی که وهابی‌ها بر آنها مسلط شده‌اند. حمایت و همکاری با حزب بعث عراق در راه‌اندازی جنگ تحمیلی علیه ایران و تجهیز ارتش صدام‌حسین در کشتار میلیونی مردم ایران و عراق، کشتار بیش از چهارصد تن زائر ایرانی و غیرایرانی در ذی‌الحجه ۱۳۶۶ در کنار مسجدالحرام[۱] تربیت و تجهیز تروریست‌های افراطی وهابی و بعثی در کشتارهای چند صد هزار نفری مردم عراق بعد از سقوط نظام بعثی در این کشور، تجهیز و آموزش گروه‌های افراطی وهابی نظیر سپاه صحابه و طالبان در پاکستان و افغانستان و مشارکت در کشتار سیستماتیک شیعیان این دو کشور، به همراه ایجاد ناامنی و ترورهای انتحاری در این کشورها، نفوذ در نهضت‌ها و گروه‌های اسلامی و سوق دادن آنها به سمت ترور و خشونت، کشتار شیعیان یمن با مدرن‌ترین تجهیزات روز ازجمله استفاده از نیروی هوایی پیشرفته این کشور توسط بمب‌های فسفری و شیمیایی در داخل خاک یمن، دخالت نظامی علیه انقلاب‌های منطقه و بیداری اسلامی در بحرین و یمن و به خاک و خون کشیدن مردم بی‌گناه این کشورها به همراه ساختارهای استبدادی و دیکتاتورهای منطقه موارد فوق، بخشی از اقدامات مخرب عربستان سعودی علیه منافع مسلمانان جهان، منطقه و ایران است.

چشم‌انداز تأثیر موقعیت شبه‌جزیره عربستان بر منطقه و ایران

شاید بتوان در پی تحولات عظیمی که در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم در جغرافیای سیاسی جهان ازجمله سقوط نظام‌های سیاسی اقتدارگرا به‌وقوع پیوست، نتیجه گرفت که نظام‌های مستبد و سنتی چون عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی منطقه یا باید تن به تغییرات اساسی و مسالمت‌آمیز چون برخی از کشورهای بلوک شرق و آفریقای جنوبی در پایان قرن بیستم دهند و یا موضعی انعطاف‌ناپذیر پیشه کنند که نتیجه آن سقوط

---

۱. امام خمینی در پیامی به مناسبت کشتار حجاج ایرانی توسط حکومت عربستان ۱۳۶۶/۵/۱۲این اقدام را به شدت محکوم کردند و همچنین در دیدار با اعضای هیئت دولت (۱۳۶۶/۶/۱) فرمودند: «اگر ما از مسئله قدس بگذریم، اگر ما از صدام بگذریم، اگر ما از همه کسانی که به ما بدی کردند بگذریم، نمی‌توانیم [از] مسئله حجاز بگذریم. مسئله حجاز یک باب دیگری است، غیر [مسائل] دیگر. (امام خمینی، ***صحیفه امام***، ج ۲۰، ص ۳۵۴ ـ ۳۴۹ و ۳۶۹)

خشونت‌بار آنها خواهد بود چنانکه در مصر، تونس و لیبی شاهد آن هستیم. با توجه به سابقه تاریخی فروپاشی و سقوط رژیم‌های اقتدارگرا که معمولاً همراه با قهر و خشونت است. در این صورت با توجه به امکانات و استعدادهای ژئوپولیتیکی و ذخایر عظیم انرژی همراه با بعد ایدئولوژیکی عربستان خواه یک نظام بنیادگراتر در این کشور به قدرت برسد و یا نظامی متکی بر طبقه متوسط، دموکراتیک و نزدیک به غرب تأثیرات آن بر سایر کشورهای شبه‌جزیره عربستان و منطقه ازجمله ایران عمیق خواهد بود. چراکه در صورت پیروزی بنیادگرایان افراطی‌تر وهابی وضع از آنچه هست احتمالاً بدتر خواهد شد (باتوجه به کشتارهای وحشیانه بنیادگرایان افراطی وهابی ازشیعیان عراق، پاکستان، افغانستان، یمن، ایران و ...) و در صورت روی‌کارآمدن رژیمی دمکراتیک و متحد با غرب نیز با توجه به شکاف موجود میان جمهوری اسلامی و غرب، ممکن است رقیب قدرتمندتری از عربستان در برابر کشورهای منطقه و ایران بسازد که از یک‌سو داعیه هدایت دینی منطقه و حداقل سنیان را دارد و از سویی داعیه دمکراتیزه کردن منطقه را، (عاملی که ترکیه با توجه بدان درحال توسعه نفوذ خود در جهان اسلام و خاورمیانه است) درهرصورت عربستان سعودی، پاسدار اماکن مقدس اسلامی با امکانات فراوان اقتصادی، سیاسی، دینی و دولتی سنی، به تمام معنی مهم‌ترین رقیب ایدئولوژیک و منطقه‌ای ایران شیعی خواهد بود.[۱ و ۲]

نتیجه

یکی از عوامل عمده شکل‌گیری حوادث و وقایع تاریخی محیط و مکان شکل‌گیری آنها است. ازاین‌روست که تمدن‌ها در نقاط جغرافیایی خاص به‌وجود آمده‌اند. همان‌گونه که گیاهان و جانوران برای رشد و باروری نیاز به محیط مناسبی دارند نهضت‌ها و حرکت‌های

---

۱. فولر، *ژئوپولیتیک ایران*، ص ۶۵ .

۲. البته اختلاف ایران با برخی کشورهای اسلامی ناشی از اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی نیست، بلکه سیاست این دولت‌ها در حمایت از فرقه‌های تندروی سلفی و تمایلات غربی این قبیل کشورهای اسلامی مورد اعتراض جهان اسلام است. بنابراین در زمان حاضر دامن زدن به اختلافات مذهبی در برخی تحلیل‌ها به‌ویژه از سوی غربیان، پرداختن به حاشیه و غفلت از اصل است.

فرهنگی ازجمله ادیان نیازمند محیط مناسب و مطلوبی برای شکل‌گیری، توسعه و گسترش می‌باشند. با توجه به اوضاع و احوال جهان در سال ۶۱۰ میلادی مناسب‌ترین مکان برای ظهور آیین اسلام را شبه‌جزیره عربستان می‌توان دانست. شرایطی چون: نزدیکی به تمدن‌های بزرگ آن دوران، موقعیت تجاری، واقع شدن در مرکز منطقه استراتژیک و مهم خاورمیانه که در دل خواستگاه ادیان بزرگ توحیدی قرار داشته و دارد. محیط مناسب و امن به‌دلیل فقدان حاکمیت مرکزی تا بتوان دین جدید را سرکوب نماید. تفرقه و حاکمیت ملک‌الطوایفی، روحیه جنگاوری و تحمل شرایط سخت زندگی توسط ساکنان شبه‌جزیره، تشتت اعتقادی، وجود خانه خدا، و سایر ویژگی‌ها و شرایط به همراه انحطاط و افول قدرت‌های هم‌جوار جزیرةالعرب، انحراف و تحریف ادیان گذشته درمجموع بستری شد تا دین اسلام با سهولت و سرعت توسعه و گسترش یابد.

جزیرةالعرب هم اکنون نیز به‌دلیل شرایط ویژه‌ای چون: موقعیت مهم ژئوپولیتیکی و استراتژیکی، وجود اماکن مقدس جهان اسلام، ذخایر عظیم انرژی و سایر امکانات و استعدادهای مادی و معنوی توان این را دارد که نقش و تأثیر تعیین‌کننده‌ای در هم‌گرایی، اتحاد و انسجام و حفاظت از منافع جهان اسلام داشته باشد، و به‌عنوان مرکز و ام‌القرای جهان اسلام در توسعه، تعالی و کسب عزت از دست رفته جهان اسلام گام‌های بلندی بردارد و در صورتی که این امکانات و استعدادها در خدمت شیوخ و خاندان‌های حکومت‌گر مستبد حاکم بر شبه‌جزیره، قدرت‌های استعماری و فرامنطقه‌ای (وضعی که هم اکنون مشاهده می‌شود) قرار گیرد. عامل قدرتمندی است که استقلال، توسعه، هم‌گرایی و سایر منافع مسلمانان به‌ویژه منطقه خاورمیانه را تهدید نماید. وضعیتی که با قدرت‌گیری و سلطه وهابی‌ها بر پهنه وسیعی از جزیرةالعرب به‌خصوص بعد از جنگ‌جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی به‌وجود آمد، و مصائب فراوانی چون ترویج افراطی‌گری، تحجرگرایی، کشتار مسلمانان، تخریب اماکن مقدس و آثار اسلامی، توهین و جسارت به مقدسات مسلمانان، وابستگی به بیگانگان و استعمارگران، مقابله با کلیه حرکت‌ها و نهضت‌های مترقی و ضد استبدادی و استعماری منطقه و مواردی از این دست را در پی داشته است. با وجود

تحولات گسترده و عمیقی که نظام‌های سیاسی جهان سوم در انتهای قرن بیستم و آستانه قرن بیست و یکم به خود دیده‌اند وضعیت نظام‌های سیاسی حاکم بر شبه‌جزیره عربستان نمی‌تواند به درازا کشد و دیر یا زود این رژیم‌ها دچار تحول و دگرگونی خواهند شد. واقعیتی که در برخی کشورهای عربی نظیر تونس، مصر و لیبی به‌وقوع پیوسته و دیر یا زود گریبان سایر کشورهای عربی را خواهد گرفت.

در این صورت تحول در ساختار عربستان سعودی چه به نحو مسالمت‌آمیز و یا خشونت‌بار و انقلابی به‌دلیل وسعت، جمعیت و سایر منابع مادی و معنوی بر کل شبه‌جزیره و خاورمیانه تأثیرات عمیقی خواهد داشت و با توجه به اینکه مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای و ایدئولوژیک عربستان سعودی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، دامنه این تحولات و تأثیر آن خواه ناخواه به‌طور جدی متوجه ایران خواهد شد.

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*.

۲. *نهج‌البلاغه*.

۳. آینه‌وند، صادق، *تاریخ سیاسی اسلام*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲.

٤. ـــــــــــ، *تاریخ اسلام*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱.

۵. ابن‌خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه ابن‌خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳.

٦. امام خمینی، سیدروح الله، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.

۷. پیرنیا، حسین، *تاریخ ایران*، تهران، بهزاد، ۱۳۸۳.

۸. پیشوایی، مهدی، *تاریخ اسلام*، قم، دفترنشرمعارف، ۱۳۸۲.

۹. جعفریان، رسول، *آثار اسلامی مکه و مدینه*، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۱.

۱۰. جعفریان، رسول، *سیره رسول خدا*، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۸.

۱۱. حسنی، علی‌اکبر، *تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.

۱۲. دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، مترجمان حمید عنایت و دیگران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.

۱۳. شالیان، ژرار، *اطلس استراتژیک جهان*، ترجمه ابراهیم جعفری، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳٦٦.

۱٤. شهیدی، سید جعفر، *تاریخ تحلیلی اسلام*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳٦۲.

۱٦. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳.

۱۷. عزتی، عزت‌الله، *ژئوپولیتیک*، تهران، سمت، ۱۳۷۱.

۱۸. عسکری، سید مرتضی، *نقش عایشه در اسلام*، ترجمه هاشم هریسی و دیگران، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۷۳.

۱۹. فاتح، مصطفی، *پنجاه سال نفت*، تهران، نشرعلم، ۱۳۸٤.

۲۰. فارسی، جلال‌الدین، *انقلاب تکاملی اسلام*، تهران، مرکزانتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳٦۱.

۲۱. فولر، گراهام، *ژئوپولیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات وزرات خارجه، ۱۳۷۷.

۲۲. فیرحی، داود، *قدرت دانش و مشروعیت در اسلام*، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.

۲۳. مستوفی الممالکی، رضا، *جغرافیای کشورهای اسلامی*، یزد، انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۸۲.

۲٤. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳٦۵.

۲۵. مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، دفتر انشارات اسلامی، ۱۳۵۹.

۲٦. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳٦۳.

۲۷. میرترابی، سعید، ***مسائل نفت ایران***، تهران، قومس، ۱۳۸٦.

۲۸. نصیری، محمد، ***تاریخ تحلیلی صدر اسلام***، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸٤.

۲۹. یاوری، فرامرز، ***شناسایی کشورهای آسیا***، تهران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۷۳.

۳۰. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، ***تاریخ یعقوبی***، ترجمه ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸٦.